

دهک‌های بالا ۵ برابر بیشتر برای آموزش عالی خرج می‌کنند



فاطمه طاری بخش خبرنگار گروه دانشگاه

آموزش عمومی در تمامی حاکمیت‌های دنیا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به صورتی که قوانین و امتیازات بسیاری را برای این بخش در نظر می‌گیرند تا بتوانند سیاست‌گذاری و روند درست و عادلانه‌ای را در پیش بگیرند. یکی از موضوعات چندسال اخیر آموزش عمومی کشور که بخشی از آن در آموزش عالی خلاصه می‌شود، نوع رفتار و کنش دهک‌های مختلف اقتصادی در این بخش است، به طوری که به نظر می‌رسد آموزش عالی دولتی و دانشگاه‌های ریزک بالا بیشتر برای بچه‌پولدارها باشد تا افرادی که استعداد و نخبگی ذاتی دارند. در این گزارش به بررسی ارائه محمد جواد صالحی، پژوهشگر موسسه برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم در اسفند ماه ۱۴۰۲ با عنوان سهم هزینه‌های آموزش عالی در سبب هزینه خانوارهای ایرانی به تفکیک استان‌ها پرداخته‌ام که گزاره‌های جالبی را بیان کرده است. در ادامه بخوانید.

تحصیل در آموزش عالی به نفع دولت است یا افراد؟

در ابتدای گزارش و همان‌طور که پیش از این نیز به آن اشاره کردیم، باید دوباره بگوییم که آموزش عالی، در تمام دنیا کالایی عمومی شناخته می‌شود اما فایده آن می‌تواند بر جامعه یا به صورت فردی اثرگذار باشد. به همین دلیل ممکن است که دو تفاوت دیدگاه، در این بین ایجاد شود. محمد جواد صالحی، پژوهشگر موسسه برنامه‌ریزی آموزش عالی این اختلاف دیدگاه را در ارائه خود به خوبی بیان می‌کند و می‌گوید: «در حوزه آموزش عالی برخی اعتقاد دارند که دولت حتماً باید، تامین مالی داشته باشد. اما در سمت دیگر، برخی معتقدند با توجه به اینکه منافع آن برای فرد بسیار بیشتر است، خانواده او باید این هزینه را بر عهده بگیرند. اما در این بین باید اشاره کرد که با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از منابع مالی آموزش عالی از سمت بودجه عمومی دولت تامین می‌شود، در صورت ادامه این روند، آموزش عالی در سال‌های آتی با چالش‌های متنوعی روبرو می‌شود. در واقع بودجه عمومی دولت مشکل دارد و در بحث مالیات و درآمد نفتی و تحریم‌ها و غیره نیز چنین است و نمی‌توان روی آن به عنوان گزینه فکر کرد و باید به سمت راهکارهای دیگر نیز حرکت کنیم. بر همین اساس ما به دنبال تعیین سهم آموزش رفیق، همچنین می‌توان نتیجه گرفت که کالای آموزش و آموزش عالی برای یک خانواده ایرانی، لوکس است یا خیر!»

سهم ۱،۶۳ درصدی آموزش و تحصیلات برای دهک دهم شهرنشین‌ها

پیش از هر موضوعی، ابتدا باید به بررسی وضعیت سهم هزینه‌های آموزشی و غیر آموزشی در بین خانوارهای شهری و روستایی پرداخت. آمار ۱۴۰۰ نشان می‌دهد سهم هزینه‌های غیر آموزشی در خانوارهای مناطق شهری، ۷۵ درصد و سهم هزینه‌های آموزشی، ۲۵ درصد هزینه‌های کل است. در بین خانوارهای روستایی، هزینه آموزشی ۳۵ درصد و هزینه‌های غیر آموزشی به ۶۱ درصد می‌رسد. اما بررسی این بخش نشان می‌دهد در خانوارهای شهری،

نسبت هزینه آموزشی از کل ۳۵ درصد بالاتر نمی‌رود در صورتی که این میزان در خانوارهای روستایی، تا دهک ۷ بیش از ۴۰ درصد است.

اگر بیشتر و موثکافانه‌تر به آمارها نگاهی بیندازیم، سهم اقلام هزینه‌ای از کل هزینه‌های غیر آموزشی، در خانوارهای شهری، نشان می‌دهد که سهم هزینه‌های آموزش و تحصیل خانوار از این سید، ۱،۱۸ درصد است. همچنین سهم هزینه آموزش و تحصیلات از کل هزینه غیر آموزشی، در دهک‌های مختلف نشان می‌دهد کمترین رقم با سهم ۰،۳۷ درصد از کل هزینه‌های غیر آموزشی، مربوط به دهک اول جامعه است. همچنین بیشترین سهم نیز مربوط به دهک دهم جامعه با ۱،۶۳ درصد نسبت به کل هزینه‌های غیر آموزشی است. البته میزان سهم هزینه آموزش از کل هزینه‌های آموزشی، می‌تواند نشان دهد که به اصطلاح هر چقدر افراد پولدارتر می‌شوند، احتمال تحصیل در مدارس و دانشگاه عالی نیز برایشان بیشتر می‌شود.

همچنین در بخش هزینه‌های آموزشی و غیر آموزشی، در بین خانوارهای شهری این نسبت‌ها بررسی شده و در استان ایلام، کمترین فاصله را داشته‌ام به طوری که ۳۷ درصد هزینه آموزشی و ۶۳ درصد غیر آموزشی بوده است. برای تهران اما فاصله بیشتری داشته است، به صورتی که ۲۰ درصد آموزشی و ۸۰ درصد غیر آموزشی بوده است. در روستاها نیز برای استان ایلام، این نسبت ۵۰ به ۵۰ بوده است؛ در تهران و البرز نیز نسبت ۳۰ به ۷۰ درصد برای هزینه‌های آموزشی و غیر آموزشی وجود داشته است.

صالحی درباره این اختلاف سهم و علت آن در بین استان‌های مختلف بیان می‌کند: «لازم به ذکر است که این واریانس‌ها به پراکندگی جمعیت و هرم سنی مربوط است. سهم اقلام هزینه‌ای خانوارهای شهری، بیشتر برای مسکن هزینه پرداخت می‌کند و سهم آموزش و خدمات فرهنگی و تفریحات یک درصد و هزینه‌های آموزش و تحصیل نیز ۱،۱۸ درصد بوده است. منتها در سال ۱۳۹۱، سهم آموزش و تحصیل ۲،۶ درصد بوده که الان به ۱،۲ درصد رسیده است. به صورت کلی ما هرچه از کم درآمد‌ها به سمت پردرآمد‌ها رفته‌ام، سهم آموزشی از کل کمتر شده است. این واکنش، مطابق اصل اقتصادی به نام میل متوسط به مصرف است. یعنی خانوارهایی که مثلاً در مناطقی مانند نیاوران می‌نشینند، میل متوسط به مصرف‌شان کم است. یعنی به صورت مطلقاً از دیگر مناطق بیشتر مصرف می‌کنند، اما این سهم نسبت به درآمد کمتر است یا حتی در برخی موارد ناچیز است.»

خانوارهای روستایی برای آموزش و تحصیلات سهم ۰،۷ درصدی در نظر می‌گیرند

همان‌طور که اشاره کردیم، برای خانوارهای شهری، سهم آموزش از هزینه‌های غیر آموزشی، تا دهک ۵ عمدتاً نوسانی است و از آن به بعد افزایش می‌شود. اما این وضعیت در بین خانوارهای روستایی چطور است؟ آیا یک خانواده روستایی که ارزش‌ها، عقاید و تفکرات دیگری دارد هم مانند یک خانوار شهری برای فرزند خود هزینه می‌کند؟ آمارها نشان می‌دهد که هزینه‌های آموزش و تحصیل در سید هزینه‌های غیر آموزشی خانوارهای روستایی، ۰،۶۵ درصد نسبت به کل هزینه‌ها است. همچنین در بین خانوارهای روستایی، کمترین سهم آموزش و تحصیلات در بین دهک‌های درآمدی مربوط به دهک اول جامعه روستایی با ۰،۴ درصد سهم نسبت به کل است. بیشترین سهم آموزش و تحصیلات نیز در این جامعه مربوط به دهک هفتم با سهم ۰،۷۴

درصد نسبت به کل هزینه‌های غیر آموزشی است. دهک دهم این جامعه نیز از کل هزینه‌های غیر آموزشی خود ۰،۶۸ درصد سهم را به بخش آموزش و تحصیلات اختصاص داده است.

این شاخص در جامعه روستایی به این صورت است که باز هم بیشترین سهم هزینه‌ای مربوط به حوزه مسکن است و سهم مربوط به هزینه‌های آموزش و تحصیلات ۰،۷ درصد است. در اینجا می‌توانم اشاره کرد که بخش تفریحات برای شهری‌ها یک درصد و برای روستایی‌ها ۱،۵ درصد است که در جای خود جالب است. هزینه‌های آموزش از کل هزینه غیر آموزشی برای خانوارهای روستایی تا دهک هفتم افزایشی است و بعد از آن حالت ثبات نسبی دارند.

آیا صرفاً می‌توان به سهم بالای آموزش عالی از کل هزینه‌های آموزشی برای بررسی وضعیت استان‌ها اکتفا کرد؟

در این مقاله هزینه آموزش عالی از هزینه‌های آموزشی خانوارهای ایرانی در استان‌های مختلف نیز بررسی شده‌اند. در سیستان و بلوچستان و استان‌های غیر برخوردار سهم آموزش عالی از کل هزینه‌های آموزشی بالاست؛ اما به گفته کارشناسان این شاخص به این معنی نیست که چنین استان‌هایی وضعیت بسیار خوبی دارد. مثلاً استان سیستان و بلوچستان سهم ۸۸ درصدی و یا استان لرستان سهم ۶۸ درصدی در بین خانوارهای شهری برای این شاخص دارد. اما این خطای رایجی است که در برخی از محاسبات اتفاق می‌افتد. به این خطا، مغلطه مخرج گفته می‌شود. یعنی در مخرج عددی آمده که ذهن را گمراه می‌کند. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که هزینه‌های آموزشی نسبت کمی به کل هزینه‌ها دارند و در نتیجه سهم آموزش عالی در این استان‌ها بالا رفته است. پژوهشگر مرکز پژوهش‌ها درباره آمارهای مختلف استان‌ها در بخش سهم آموزش عالی از کل هزینه‌های آموزشی توضیح می‌دهد: «بر اساس این آمارها نمی‌توان ادعا کرد که اهمیت آموزش عالی در سیستان بسیار بیشتر از دیگر استان‌ها است. داده‌ها در این مقاله صرفاً بر اساس اعداد مورد بررسی قرار می‌گیرند، در حالی که باید به ساختار روانشناسی، اجتماعی و بسیاری دیگر از این ساختارها، توجه شود. باید فاکتورهایی مانند هرم سنی و جمعیت جوانان و میزان تحصیلات و غیره را در این استان‌ها بررسی کنیم تا به نتیجه قابل توجه و قابل قبولی برسیم.»

سهم ۴۶ درصدی آموزش عالی از اقلام هزینه‌های آموزشی

در مرکز آمار ایران و برای بررسی هزینه‌های آموزشی، ما شش دسته و گروه مختلف داریم که شامل هزینه آموزشی ابتدایی و پیش‌دبستانی، هزینه آموزش راهنمایی، هزینه آموزش دبیرستان، هزینه آموزش پیش‌دانشگاهی و تقویتی، هزینه آموزش تحصیلات عالی، هزینه آموزش‌های سطح بندی نشده مانند کلاس زبان و قرآن و موسیقی و... می‌شود. در سال ۱۳۹۱، سهم آموزش عالی در تمامی این دسته‌ها، ۷۲ درصد بوده است و کمترین هزینه نیز مربوط به آموزش‌های سطح بندی نشده بوده است، در حالی که در سال ۱۴۰۰ بیشترین هزینه با ۴۶ درصد مربوط به آموزش عالی و کمترین هزینه نیز مربوط به آموزش‌های پیش‌دانشگاهی می‌شود. صالحی به این مساله و دلایل و استدلال‌های آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «بسیاری از متغیرهای ما در اینجا تحت تاثیر تورم قرار می‌گیرد. یعنی بسیاری از خانوارها دیگر توان پرداخت پول برای کلاس‌های تقویتی را

ندارند. از دیگر دلایل این موضوع می‌توان به اقبال خانواده‌ها به کلاس‌های آموزش غیررسمی و توان پایین در قدرت خرید اشاره کرد. در دهک‌های بالاتر این سهم افزایش داشته است که این فرضیه را تایید می‌کند و در دهک‌های بالاتر بیشتر به هزینه‌های تقویتی پرداخته شده است. اما در دهک‌های پایین سهم آنها کم شده است. به عنوان مثال دهک ۱۰ سهم ۴۳ درصدی برای آموزش‌های تقویتی در نظر می‌گیرد، در حالی که این عدد در دهک یک، ۱،۹ درصد است.»

به صورت کلی در یک دهه گذشته، بسیاری از متغیرها و فاکتورها تغییر کرده و تغییر و سهم آن می‌تواند ناشی از تغییر هرم سنی جمعیت و بعد خانوار باشد.

دهک یک خانوارهای روستایی تنها ۹،۵ درصد از هزینه‌های آموزش خود را صرف آموزش عالی می‌کند!

سهم هزینه تحصیلات عالی در بین خانوارهای شهری در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در دهک ۵ بالاترین هزینه را با ۵۹،۷ درصد داریم و کمترین هزینه مربوط به دهک اول با ۴،۶ درصد است. معمولاً در بین دهک اول و دهک دهم ناهمخوانی‌هایی به وجود می‌آید. کمترین سهم را در بین هزینه‌ها، در تمامی دهک‌ها و به صورت میانگین، آموزش پیش‌دانشگاهی و تقویتی داشته و بیشترین هزینه و درصد نیز مربوط به تحصیلات عالی با ۴۶ درصد و آموزش ابتدایی با ۲۲ درصد در بین خانوارهای شهری است. تقریباً سهم دهک اول و دهک دهم شهری با اختلاف دوازده درصدی با هم برابر است؛ که احتمالاً به دلیل تفاوت درآمد‌های این دو دهک است.

همچنین برای خانوارهای روستایی، به صورت میانگین ۴۴ درصد سهم هزینه‌های تحصیلات عالی منتشر شده که در دهک نهم و هفتم نسبت‌های بالایی در بین این خانوارها وجود دارد. همچنین، دهک اول سهم بسیار پایینی در این جامعه دارد و تنها ۹،۵ درصد از هزینه‌های آموزشی خود را صرف آموزش عالی می‌کند. انواع مقایسه هزینه‌های آموزشی از کل هزینه‌های آموزشی به تفکیک دهک‌ها نشان می‌دهد که در بین انواع هزینه‌های آموزشی دهک‌ها از ثبات به نسبت خوبی برخوردار هستند و تقریباً هزینه آموزش عالی از همه بیشتر است. بعد از این بخش به سراغ نسبت و مقایسه سهم هزینه آموزشی خانوارهای شهری و روستایی از کل هزینه‌های آموزشی در سال ۱۴۰۰ می‌رویم. به نظر می‌رسد که در یک نسبت کلی، تقریباً آمار ۸۰ درصد شهری و ۲۰ درصد روستایی وجود دارد.

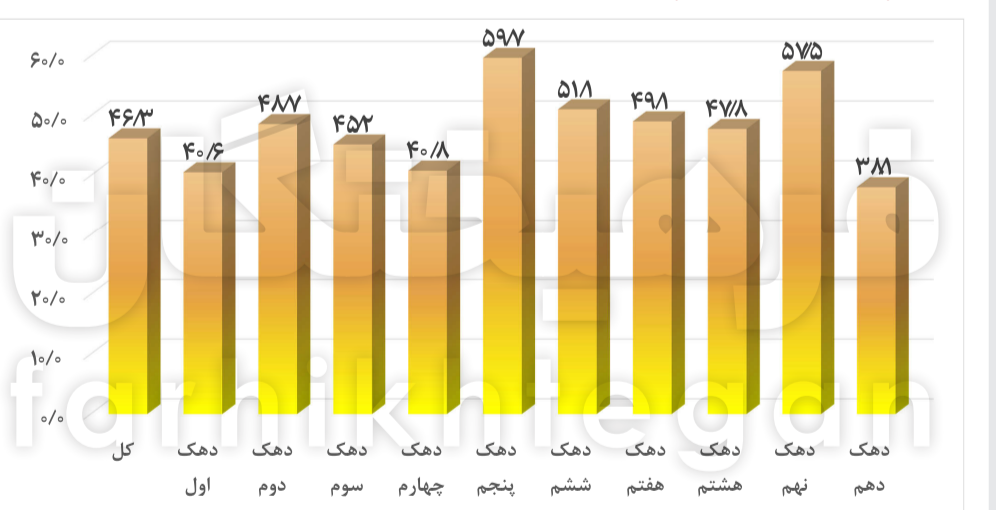
۳ توصیه برای بهبود وضعیت موجود

در نهایت و برای نتیجه‌گیری باید اشاره کرد که مقایسه تمام این ارقام با محاسبات سال ۱۳۹۱، نشان از کاهش معنادار این سهم‌ها دارد. پژوهشگر موسسه برنامه‌ریزی آموزش عالی در این باره توضیح می‌دهد: «اگرچه فاکتورها و معیارهایی مانند هرم سنی جمعیت، تغییر جمعیت، بعد خانوار و متغیرهایی از این دست در تغییر چنین سهم‌هایی نقش پرزگی داشته اما تغییر شاخص قیمت و کاهش قدرت خرید خانوارها در این ۱۰ سال را نباید در تغییر اولویت آنها نادیده گرفت. هرم سنی و بعد خانواده بسیار زیاد در این بررسی‌ها اثرگذار است.»

صالحی با اشاره به اینکه سه توصیه برای بهبود وضع موجود دارد، می‌گوید: «اولین توصیه من این است که طرحی در سطح استان‌های کشور انجام گیرد و حداکثر ابعاد و مولفه‌های قابل بررسی را مورد توجه قرار دهد تا اعطای یارانه آموزشی، با آگاهی و برنامه‌ریزی بهتر برای خانوارها صورت گیرد. پیشنهاد دوم این است که پژوهشی در مورد کشش درآمدی آموزش عالی برای استان‌های کشور با استفاده از توابع انگل انجام شود تا عکس‌العمل تقاضای آموزش عالی خانوارها نسبت به تغییر درآمدشان که کشش درآمدی را نشان می‌دهد به دست آمده و مشخص شود که در نظر خانوارهای ایرانی این کالا، لوکس، ضروری یا پست است؟ پیشنهاد سوم برای پژوهشگران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان این است که حتماً در محاسبات خود، هرم سنی، جمعیت، بعد خانوار، شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی به ویژه شاخص قیمت آموزش عالی و تغییرات آن در سال‌های مختلف را مد نظر خود قرار دهند تا دید بصیرت و دانش بیشتری ایجاد شود.»

اقلام	دهک ۱	دهک ۲	دهک ۳	دهک ۴	دهک ۵	دهک ۶	دهک ۷	دهک ۸	دهک ۹	دهک ۱۰	کل
هزینه آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی	۳۱،۱	۲۳،۵	۲۹،۶	۲۸،۷	۱۷،۴	۲۳،۹	۱۸،۹	۲۲،۶	۱۸،۰	۲۳،۵	۲۲،۱
هزینه آموزش راهنمایی	۵،۶	۶،۲	۵،۹	۱۱،۷	۴،۴	۹،۵	۶،۳	۷،۸	۸،۸	۱۱،۲	۹،۲
هزینه آموزش دبیرستان	۲۰،۵	۱۷،۸	۱۵،۸	۱۲،۶	۱۰،۶	۸،۷	۱۷،۴	۱۴،۱	۹،۶	۱۷،۹	۱۴،۷
هزینه آموزش پیش‌دانشگاهی و تقویتی	۱،۹	۱،۷	۱،۱	۱،۲	۴،۹	۲،۲	۳،۶	۱،۳	۰،۶	۴،۳	۲،۹
هزینه آموزش تحصیلات عالی	۴۰،۶	۴۸،۷	۴۵،۲	۴۰،۸	۵۹،۷	۵۱،۱	۴۹،۱	۴۷،۸	۵۷،۵	۳۸،۱	۴۶،۳
هزینه آموزش‌های سطح بندی نشده	۰،۳	۲،۱	۲،۳	۵،۰	۳،۱	۴،۶	۴،۷	۶،۳	۵،۴	۵،۰	۴،۹
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

سهم هزینه تحصیلات عالی از کل هزینه‌های آموزشی خانوارهای شهری در سال ۱۴۰۰ در دهک‌های مختلف درآمدی



سهم هزینه تحصیلات عالی از کل هزینه‌های آموزشی خانوارهای روستایی در سال ۱۴۰۰ در دهک‌های مختلف درآمدی



نام استان	درصد آموزش از هزینه غیر آموزشی	درصد هزینه آموزش عالی از کل هزینه	سهم آموزش عالی از هزینه‌های غیر آموزشی	سهم آموزش عالی از کل هزینه
سیستان و بلوچستان	۴،۱۰	۲،۸۹	۱۱،۸۵	۳،۳۵
لرستان	۱،۲۶	۰،۸۶	۶۸،۳۱	۰،۸۶
گیلان	۱،۰۷	۰،۸۱	۶۵،۸۱	۰،۷۰
چهارمحال و بختیاری	۰،۹۷	۰،۶۳	۶۵،۰۲	۰،۶۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲،۱۶	۱،۵۶	۶۴،۷۹	۱،۴۰
کرمانشاه	۰،۴۶	۰،۳۰	۶۲،۰۹	۰،۲۸
تهران	۱،۱۴	۰،۹۱	۵۸،۳۲	۰،۵۸
همدان	۱،۰۲	۰،۷۷	۵۶،۷۸	۰،۵۸
مرکزی	۰،۷۱	۰،۵۰	۵۶،۵۶	۰،۴۰
خراسان رضوی	۱،۱۸	۰،۸۷	۵۴،۵۶	۰،۶۵
کردستان	۰،۵۲	۰،۳۵	۵۳،۲۹	۰،۲۸
خوزستان	۱،۵۲	۰،۹۸	۵۰،۴۴	۰،۷۷
کل کشور	۱،۱۸	۰،۸۸	۴۶،۲۶	۰،۵۵
آذربایجان شرقی	۲،۱۱	۱،۵۵	۴۵،۹۱	۰،۹۷
اصفهان	۱،۲۰	۰،۹۰	۴۳،۰۹	۰،۵۲
مازندران	۱،۲۲	۰،۹۱	۳۵،۳۵	۰،۴۳
آذربایجان غربی	۰،۶۴	۰،۴۶	۳۵،۰۰	۰،۲۲
فارس	۱،۲۹	۰،۹۶	۳۲،۴۷	۰،۴۲
کرمان	۰،۸۵	۰،۵۸	۳۲،۲۶	۰،۲۸
زنجان	۱،۱۶	۰،۸۸	۳۱،۵۳	۰،۱۶
ایلام	۰،۳۹	۰،۲۵	۲۵،۱۱	۰،۱۰
هرمزگان	۱،۵۷	۱،۱۶	۹،۹۸	۰،۰۹
گلستان	۱،۲۶	۰،۹۵	۶،۵۲	۰،۰۳
قم	۱،۳۶	۰،۹۸	۴،۶۰	۰،۰۵
بوشهر	۰،۸۸	۰،۵۸	۰،۰۰	۰،۰۰
سمنان	۰،۴۹	۰،۳۱	۰،۰۰	۰،۰۰
یزد	۱،۳۹	۰،۹۸	۰،۰۰	۰،۰۰
اردبیل	۰،۸۱	۰،۵۹	۰،۰۰	۰،۰۰